

خانواده‌های مهاجر روستایی و زمینه‌های طلاق

دکتر مجید مساواتی آذر^۱

تکامل زندگی اقتصادی انسان باعث پیدایش تخصص شد و تخصص نیز، از طرفی، گروه‌های حرفه‌ای متعددی به وجود آورد، و از طرف دیگر، بر ادامه تولید اقتصادی افزود. این دو عامل نیز اقتصاد خانگی را دگرگون کردند. کانون خانواده که در گذشته یک واحد اقتصادی قائم به ذاتی بود، دیگر نمی‌تواند مستقلاً به زندگی خود ادامه دهد. زیرا، برای افزایش تولید، هم به یاری اهل تخصص نیاز دارد و هم برای مبادله فرآورده‌های اضافی خود، به گروه‌های دیگر محتاج است.

با بسط تخصص، گروه‌های صنعتگر یکسره از خانواده‌های کشاورز تفکیک شدند و صنعتگران در خارج از مزارع برای خود کارگاه‌ها و رسته‌ها و بازارها ترتیب دادند و به مرور ایام شهرک‌هایی در مقابل روستاها ایجاد کردند. هر چه بر تکامل اجتماعی و ترقی صنایع افزوده شد، اهمیت اقتصادی این شهرک‌ها فزونی گرفت ولی از استقلال و رفاه روستاها کاست، در نتیجه، بسیاری از روستاییان به شهرهای نوینباد و صنعتی روی آوردند و در کارهای روزافزونی که طلیعه کارخانه‌داری عصر جدید به شمار می‌روند به کار پرداختند. این تحول که در مغرب زمین سریعتر و منظم‌تر از مشرق زمین روی داده است، سبب شد که خانواده گسترده خونی در هم شکند و به خانواده محدود و مستقل زن و شوهری تبدیل گردد.^(۱)

اما این تحول شهرگرایی در ایران با تحولات و تحرک جمعیتی در مغرب زمین کاملاً متفاوت است. در ایران هجوم روستاییان به بعضی از شهرهای متحول و صنعتی، تغییرات زیادی در افکار جمعیتی و شیوه‌های زندگی روستاییان و اخلاق و حالات روانی آنها به وجود آورده است که برای تکوین و پیدایش

بعضی از عوارض ناخوشایند اجتماعی و انحرافات مؤثرند. زیرا، عده زیادی از این خانواده‌ها از نظر اقتصادی و تربیتی بسیار ناتوان هستند و اگر چه آنان در گذشته از آلودگیهای اجتماعی برکنار بوده‌اند، ولی، شهرنشینی جدید بدون آمادگیهای فنی و فکری تمایلات غیرعادی را به تدریج در میان آنها از قوه به فعل درآورده است. در واقع، شهرنشینی جدید نیازهای فراوانی را برمی‌انگیزد که برآوردن آنها با محدود بودن امکانات اجتماعی و اقتصادی غیرممکن می‌گردد. از این رو، مهاجرت روستاییان به شهر و تمرکز در بعضی از نقاط شهری به تدریج تغییرات عمیقی در اصول اخلاقی و حالات روانی و فکری و عقاید آنان به وجود آورد که از دگرگونی طبقات شغلی و اعمال اقتصادی خانواده برکنار نیستند. یعنی، خانواده‌ها، نه تنها دیگر یک واحد تولیدکننده و مصرف‌کننده نیستند، بلکه گسترش آنها در جهتی است که اکثراً به صورت یک واحد مصرف‌کننده درمی‌آیند.

علاوه بر اینها، در ساختهای دیگر خانواده نیز تغییراتی مشاهده می‌شود یعنی در حقیقت ما شاهد ضعف و ناتوانی پدر و حکمرانی مطلق او در محیط خانواده هستیم، و این ضعف نفوذ بویژه در خانواده‌هایی که بر طبق سنتهای پیشین زندگی می‌کردند بیشتر مشهود است. پس شرایط جدید زندگی اقتصادی، به‌طور ناگهانی تضاد ارزشها را در میان این نوع از خانواده‌ها تشدید می‌نماید. بنابر این، به نظر می‌رسد که این خانواده‌ها بدون آگاهی و برخلاف منطق، که شرایط اقتصادی جدید شهرنشینی به وجود آورده است، به‌صورت رقت‌باری از ریشه کنده می‌شوند. (۲)

همان‌گونه که در جدول ۱ اشاره شده است، تا سال ۱۳۴۵ حجم طلاق در کل کشور در سطح بالاتری قرار داشته و این امر نشانگر آن است که حقوق مطلقهٔ مرد در مورد طلاق در سالهای قبل از تصویب قانون حمایت خانواده در ایران یکی از علل اصلی بالا بودن میزان طلاق در این مرحله بوده است. زیرا، تا سال ۱۳۴۰ هنوز تحول قابل توجهی در حرکات جمعیتی مناطق شهری دیده نشده و ۷۵ درصد جمعیت ایران در سال مذکور در مناطق روستایی سکونت داشتند که میزانهای طلاق در این مناطق همیشه در سطح پایین قرار داشته است. زیرا، از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵ بین ۱۶ تا ۲۰ درصد طلاقها از مناطق روستایی و بیش از ۸۰ درصد آنان از مناطق شهری گزارش شده است. در اینجا، این سؤال مطرح می‌شود که: چرا خانواده‌های شهری استحکام خانواده‌های روستایی را ندارند؟

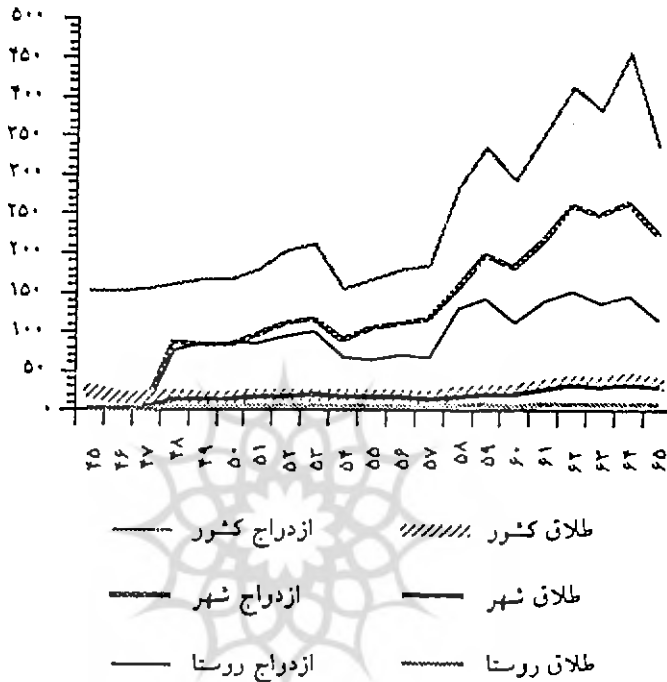
جدول ۱. وقایع ثبت شده ازدواج و طلاق برحسب محیطهای شهری و روستایی به تفکیک از ۱۳۶۵ تا ۱۳۴۵
در کل کشور (واحد = ۱۰۰۰ نفر)^(۳)

میزان طلاق نسبت به ازدواج در هر ۱۰۰۰ ازدواج			طلاق			ازدواج			سال
روستا	شهر	کشور	روستا	شهر	کشور	روستا	شهر	کشور	
-	-	۱۶۵	-	-	۲۵	-	-	۱۵۱	۱۳۴۵
-	-	۹۸	-	-	۱۵	-	-	۱۵۳	۱۳۴۶*
-	-	۱۰۲	-	-	۱۶	-	-	۱۵۶	۱۳۴۷**
۵۲	۱۵۵	۱۰۵	۴	۱۳	۱۷	۷۷	۸۴	۱۶۱	۱۳۴۸
۴۷	۱۰۸	۹۶	۴	۱۲	۱۶	۸۵	۸۲	۱۶۷	۱۳۴۹
۴۷	۱۶۰	۹۶	۳	۱۳	۱۶	۸۵	۸۱	۱۶۶	۱۳۵۰
۳۵	۱۶۰	۱۰۰	۳	۱۵	۱۸	۸۵	۹۴	۱۷۹	۱۳۵۱
۳۱	۱۴۸	۹۳	۳	۱۶	۱۹	۹۵	۱۰۸	۲۰۳	۱۳۵۲
۳۰	۱۴۹	۹۳	۳	۱۷	۲۰	۹۹	۱۱۴	۲۱۳	۱۳۵۳
۴۵	۱۵۹	۱۱۰	۳	۱۴	۱۷	۶۶	۸۸	۱۵۴	۱۳۵۴
۴۷	۱۴۴	۱۰۷	۳	۱۵	۱۸	۶۴	۱۰۴	۱۶۸	۱۳۵۵
۴۳	۱۳۷	۹۵	۳	۱۴	۱۷	۶۹	۱۱۰	۱۷۹	۱۳۵۶
۴۴	۱۰۳	۸۱	۳	۱۲	۱۵	۶۸	۱۱۶	۱۸۴	۱۳۵۷
۳۹	۱۰۲	۷۳	۵	۱۶	۲۱	۱۲۹	۱۵۶	۲۸۵	۱۳۵۸
۲۸	۹۷	۷۱	۵	۱۹	۲۴	۱۴۱	۱۹۶	۳۳۷	۱۳۵۹
۳۶	۱۰۹	۸۱	۴	۲۰	۲۴	۱۱۱	۱۸۳	۲۹۴	۱۳۶۰
۳۶	۱۲۰	۸۸	۵	۲۶	۳۱	۱۳۸	۲۱۵	۳۵۳	۱۳۶۱
۳۳	۱۲۰	۸۸	۵	۳۱	۳۶	۱۵۱	۲۵۹	۴۱۵	۱۳۶۲
۴۴	۱۱۸	۹۱	۶	۲۹	۳۵	۱۳۷	۲۴۷	۳۸۴	۱۳۶۳
۴۸	۱۲۱	۹۵	۷	۳۲	۳۹	۱۴۴	۲۶۳	۴۷۵	۱۳۶۴
۵۲	۱۲۸	۱۰۲	۶	۲۹	۳۵	۱۱۵	۲۲۵	۳۴۰	۱۳۶۵

* یک سال پس از تصویب و اجرای قانون حمایت از خانواده.

** تا سال ۱۳۴۷، آمارهای ازدواج و طلاق به تفکیک شهری و روستایی در سالنامه‌های آماری گزارش نشده است.

نمودار ۱. توزیع فراوانی ازدواج و طلاق در کشور از ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵



هنگامی که جریان سریع شهرنشینی روی می‌دهد، همهٔ تأسیسات جامعه به تندی دگرگون می‌شود؛ افزایش حجم جمعیت، روابط مردمان را پیچیده‌تر می‌کند و بستگی میان افراد را که در محیط روستایی و جامعهٔ ابتدایی براساس وحدت اعتقادات و عواطف و مشابهات روحیات و وظایف و مشاغل استوار است، تغییر می‌دهد. روابط اجتماعی در جامعهٔ روستایی بسیار ساده است و چون افراد به زندگی یکدیگر آگاهی تمام دارند و مواظب کار و رفتار همدیگر هستند، از این رو، کجروی و تبهکاری کمتر جلوه‌گر می‌شود و در نتیجه، ازهم پاشیدگی خانواده در این مناطق بسیار پایین است.

خلاصهٔ کلام این است که در شهر قسمت مهمی از وظایف خانواده به گروه‌ها و سازمانهای اجتماعی دیگری واگذار شده و کوشش و کشش افراد از درون خانه به بیرون معطوف گردیده است. پس عجیب نیست که خانواده شهری استحکام و دوام خانواده روستایی و خانواده قدیم را ندارد و ناهنجاریهای اجتماعی که از فردگرایی و خودسری و خودکامگی ناشی می‌شود در شهر رایج‌تر است و احساس تنهایی و بی‌کسی بیش از اندازه در شهر قوت می‌گیرد و رفتارهای انحرافی‌ای چون خودکشی و طلاق را دامن می‌زند. (۴)

بنابر این، از تحرک جمعیتی، همان‌طور که ملاحظه شد، همواره نتایج سودمندی بر نمی‌آید، و کثرت طلاقهای مناطق شهری را می‌توان در ارتباط با این رویدادها تلقی کرد، زیرا، در اثر این تحرک شدید مکانی، روابط آنها در مناطق روستایی به دلیل نظارتی که نزدیکان به طرز سلوک آنان داشتند، تغییر می‌یابد. گذشته از آن، در این محیط نا آشنا آنها دیگر به اصول و ارزشها و مقیاسهای گذشته بی‌اعتنا شده و به آنها پایبند نمی‌گردند.

می‌دانیم که طلاقها به دو نوع تقسیم می‌شوند: ۱. طلاقهای طبیعی (*Divorce Naturel*) و ۲. طلاقهای هیجان‌آمیز (*Divorce Emotionnel*). در تحقیق زیر طلاقهای نوع اخیر مورد توجه ما قرار گرفته است.

در جدول ۲، میزان اختلاف خشونت‌آمیز خانوادگی توأم با جرح و ضرب زوجین به تفکیک مناطق شهری و روستایی در تبریز برای سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۰ نشان داده می‌شود. (۵)

جدول ۲

شهرستان تبریز	مناطق روستایی		مناطق شهری		سال
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۱۰۰	۷۱۰	۹	۶۳	۹۱	۱۳۵۵
۱۰۰	۱۵۱۷	۹/۸	۱۴۸	۹۰/۲	۱۳۶۰

ارقام جدول فوق می‌رساند که اولاً اختلافات خانوادگی توأم با خشونت زوجین در سال ۱۳۶۰ در مقایسه با سال ۱۳۵۵ حدود ۴۰ درصد افزایش یافته است. به‌علاوه، بیش از ۹۰ درصد اختلافات زناشویی هیجان‌آمیز از مناطق شهری و حدود ۱۰ درصد آنها از مناطق روستایی است. در اینجا، می‌خواهیم بدانیم که این اختلاف خانوادگی توأم با خشونت در کدام مناطق شهری بیشتر است.

چگونگی توزیع اختلافات خشونت‌آمیز زوجین در مناطق مختلف شهری در تبریز

تحقیقی که از نظر محیط‌شناسی جرایم در مناطق مختلف شهری در تبریز انجام شده نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۰، ۵۱/۵ درصد اختلاف خانوادگی که با خشونت و جرح و ضرب زوجین همراه بوده از

- محدوده کلانتری ۲ و ۳ گزارش شده است. این مناطق عبارتند از:
۱. اطراف کشتارگاه قدیم، کوی شهید مفتاح (شاه‌آباد سابق)، دادش‌آباد، خلیل‌آباد و باقر‌آباد در حوزه انتظامی کلانتری ۲.
 ۲. اطراف بازارچه سیلاب و کوچه ایده‌لو، واقع در کلانتری ۲.
 ۳. قسمتهای پایینی خیابان شهید منتظری (مارالان سابق) یعنی اطراف قبرستان امامیه و بقاییه. اینک میزان اختلافات خانوادگی توأم با خشونت و جرح و ضرب زوجین در مناطق مختلف شهری در تبریز برای سال ۱۳۶۰ در زیر آورده شده است.

جدول ۳

درصد	تعداد	محل اختلافات خانوادگی توأم با خشونت
۱۶	۲۱۹	کلانتری ۱
۲۷/۸	۳۸۱	کلانتری ۲
۲۳/۷	۳۲۴	کلانتری ۳
۱۵/۴	۲۱۱	کلانتری ۴
۱۳/۹	۱۹۰	کلانتری ۵
۲/۳	۳۲	کلانتری ۶
۰/۹	۱۲	کلانتری ۷
۱۰۰	۱۳۶۹	جمع

چنانکه دیده می‌شود، ۱۶ درصد اختلافات خشونت‌آمیز زوجین در کلانتری ۱، ۲۷/۸ درصد از محدوده کلانتری ۲ و ۲۳/۷ درصد از محدوده محلات کلانتری ۳ گزارش شده است (اکثر مناطق کلانتری ۲ و ۳ مهاجرنشین و محلات فقیرنشین شمال شرقی و شمال غربی تبریز و قسمتهای پایانی جنوب شرقی در کلانتری ۱، یعنی اطراف قبرستان امامیه و بقاییه در شهر تبریز مهاجرنشین هستند). درحالی که در کلانتری ۵، خیابان دکتر شریعتی (شهناز سابق)، خیابان ۱۷ شهریور و خیابان صائب، این میزان کمتر از ۱۴ درصد، و در کوی ولی‌عصر واقع در کلانتری ۷ که محل اقامت طبقات بالا و متوسط

است حدود ۰/۹ درصد و بالاخره در کلانتری ۶ (مناطق قدیمی) حدود ۲/۳ درصد می‌باشد.

شرایط اجتماعی و اقتصادی ساکنان مناطق مختلف تبریز

در تحقیق جالبی که از طرف وزارت آبادانی و مسکن در سال ۱۳۵۱ در زمینه شرایط اقتصادی و اجتماعی ساکنان مناطق مختلف شهر تبریز به عمل آمده است، می‌توان بعضی از شرایط اجتماعی و اقتصادی ساکنان محلات مختلف تبریز را به خوبی مشخص کرد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که متوسط زیربنا و سطح مسکونی هر فرد در کوی شهید مفتاح (شاه‌آباد سابق) و محلات نزدیک به آن که ساکنان آن مناطق اکثراً مهاجران روستایی هستند و در اطراف کلانتریهای ۲ و ۳ سکونت دارند حدود ۷ متر مربع است. در حالی که متوسط زیربنا و سطح مسکونی هر فرد در کوی صدر واقع در محدوده کلانتری ۵، ۳۱/۵ متر مربع است.^(۶) مقایسه این ارقام نشان می‌دهند که خانواده‌های مناطق فقیرنشین شهری به چه میزانی از نظر شرایط اقتصادی وضع رقت‌باری دارند.

این تحقیقات نشان می‌دهد که در میان ۱۵ منطقه جانبی و چهار منطقه واقع در داخل شهر، این مناطق به ترتیب کمترین و بیشترین رقم درآمد سالانه را دارند. بنابراین، این شرایط اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ساکنان مناطق مختلف شهری، به روشهای تبهکارانه و رفتارهای غیرطبیعی و جرایم آنان شکل و رنگ خاصی می‌دهد.

همان‌گونه که دکتر شیخاوندی آورده است، در بسیاری از جوامع زمینه امکانات مادی، فرهنگی و فنی به‌طور متعادل بین افراد تقسیم نشده و نمی‌شود و بنابر این، در سلسله مراتب اجتماعی عده قلیلی توانگر و عده کثیری مستمند به وجود می‌آید که آفریننده رفتارهای متفاوت است. زیرا، هر جامعه‌ای به‌طور خودکار معیار و ضابطه‌ای برای خویش می‌آفریند و خود فقر موجب رفتار و کردار و پنداری در شخص فقیر می‌شود که دیگران از ظواهر آنها درباره فقر ایشان قضاوت می‌کنند. اما، برای داوری در این باره باید ملاک مشخصی وجود داشته باشد و آن ملاک در مرحله نخست نابرابری اجتماعی و وجود غنی در کنار فقیر است که امکان مقایسه و حکم را فراهم می‌آورد، وگرنه در جامعه‌ای که همه فقیر و یا همه غنی باشند مفهوم فقر و غنا قابل درک نخواهد بود.^(۷)

بنابر این، افزایش شدید جمعیت شهری، به احتمال زیاد بیشتر از هر جنبه دیگری، می‌تواند عدم تعادل این کشورها را نشان دهد. البته، این موضوع محدود به کشورهای درحال توسعه نیست، اما خصوصیات شهرنشینی این کشورها به‌طور کلی به دلیل آنکه رابطه کمی با توسعه صنعتی دارد با

شهرنشینی در کشورهای پیشرفته متفاوت است.

در کشورهای توسعه نیافته، روستاییان بر اثر احساس فشار ناشی از افزایش سریع جمعیت که موجب پایین آمدن زندگی است و نیز در اثر مشکلات ناشی از بیکاری مزمن و آشکار، اجباراً مسکن مألوف خود را رها می‌کنند و به سرزمینهای دیگر می‌شتابند. بدون تردید، در اثر مهاجرت، جمعیت مناطق روستایی به شدت کاسته شده و این کاهش جمعیت در مناطقی بیشتر است که مردمان توان مقاومت را در برابر عوامل دافعه از دست داده و عوامل مناسبی که در بعضی از شهرها وجود دارد، گروه زیادی از روستاییان بینوا را به سوی خود می‌کشد.

فزونی شهرنشینی در کشورهای درحال رشد موضوعی است که به سرعت به یک واقعیت عمومی تبدیل می‌شود و این موضوع از تلفیق سه زمینه زیر ناشی می‌گردد: (۹)

الف. افزایش طبیعی جمعیت ناشی از موالید زیاد.

ب. کاهش مرگ و میر.

پ. مهاجرت شدید روستاییان به شهر.

از نظر میزان شهرنشینی، ایران تقریباً همانند کشورهای جهان سوم به ویژه کشورهای خاورمیانه دارای میزان رشد شهرنشینی دایم و سریع است. اولین آگاهی نسبتاً دقیق از میزان شهرنشینی در ایران از سرشماری ۱۳۳۵ به دست می‌آید. در سال مذکور میزان شهرنشینی ۳۱/۴ درصد بود که با رقم ۵۴/۶ درصد برای سال ۱۳۶۵ قابل مقایسه است. (۱۰)

در واقع، جمعیت مناطق شهری از ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ یعنی هر سال به طور متوسط حدود ۵ درصد افزایش یافته است، درحالی که رشد جمعیت مناطق روستایی در همین فاصله به طور متوسط ۲/۴ درصد گزارش شده است. در واقع، میزان جمعیت مناطق روستایی در دهه اول سرشماری، یعنی از ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ با نرخ ۲ درصد و در دهه دوم (۱۳۳۵-۴۵) با نرخ ۱ درصد و در مرحله سوم (۱۳۵۵-۶۵) با نرخ ۲/۳ درصد افزایش یافته است.

در بعضی از شهرهای بزرگ مانند تهران، مشهد، اصفهان و قم میزان رشد جمعیت شهری بیش از ۷ درصد است. مثلاً در فاصله سرشماری سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ افزایش جمعیت شهر قم ۱۴ درصد و مشهد ۱۲ درصد گزارش شده است.

به طور خلاصه می‌توان گفت که مهاجرت به شهر در ایران از سال ۱۳۴۵ به شدت افزایش یافته است. در جدول ۴ میزان افزایش جمعیت شهری و تحولات آن نشان داده می‌شود.

جدول ۴. جمعیت مناطق شهری و روستایی

درصد کل	کل کشور	مناطق روستایی		مناطق شهری		سال
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰۰	۱۸/۹۵۴/۷۰۴	۶۸/۶	۱۳/۰۰۱/۱۴۱	۳۱/۴	۵/۹۵۳/۵۶۳	۱۳۳۵
۱۰۰	۲۵/۷۷۸/۷۲۲	۶۱/۳	۱۵/۹۹۴/۴۷۶	۳۸/۷	۹/۷۹۴/۲۴۶	۱۳۴۵
۱۰۰	۳۳/۶۵۸/۷۴۴	۵۳/۰	۱۷/۸۰۴/۰۶۴	۴۷/۰	۱۵/۸۵۴/۶۸۰	۱۳۵۵
۱۰۰	۴۹/۱۹۳/۴۱۲	۴۵/۴	۲۲/۳۴۹/۳۵۱	۵۴/۶	۲۶/۸۴۴/۰۶۱	۱۳۶۵

همانگونه که جامعه‌شناسان اشاره کرده‌اند، محیط فعال شهرها، بویژه در شهرهای صنعتی و بازرگانی، گروه‌های روستایی را به‌خود می‌کشند و این کشش در دوره‌هایی که جامعه دستخوش بحران و تغییر سریع است شدت بیشتری دارد. (۱۱)

در بین سالهای ۶۵-۱۳۳۵ استان مرکزی و تهران، اهمیت زیادتری در بالا بودن میزان شهرنشینی داشته است. در سال ۱۳۵۵، از ۱۵/۸ میلیون جمعیت شهرنشین ایران، تهران با ۵/۳ میلیون نفر جمعیت شهرنشین که میزان شهرنشینی آن ۹۱/۲ درصد بود سهم بالایی را در جمعیت شهرنشین ایران داشته است. در واقع ۳۱ درصد جمعیت شهرنشین ایران در سال مذکور در تهران سکونت داشتند. (۱۲) میزان طلاق در تهران ۱۶۸ در ۱۰۰۰ فقره ازدواج بود که با رقم ۱۱۷ مناطق شهری کل کشور قابل مقایسه است.

اقتصاددانان و سایر اندیشمندان اجتماعی طی بررسیهای گوناگون خود کوشیده‌اند، نشان دهند که ریشه برخی از رفتارهای ناهنجار در عوامل اقتصادی نهفته است. مانند: فقر، کاهش قدرت خرید و بی‌خانمانی. بسیاری از نویسندگان و پندارگران نظیر سن‌سیمون، آدام اسمیت، کارل مارکس، پرودون و... پذیرفته‌اند که عوامل اقتصادی در حیات اجتماعی اثر غیرقابل انکاری دارد و امروزه هم اساس بسیاری از جوامع بر محور اقتصادی استوار است. این پندارگران معتقدند که نابسامانیهای سیستم اقتصادی و فنی در ناتوانی کنترل تولید و چگونگی توزیع آن در جامعه، موجب پدیدار شدن برخی از کج‌رویه‌های اجتماعی می‌شود و بنابر این، از دیدگاه این پندارگران کاملاً بخردانه است که پیدایش و گسترش ناهنجاریهای اجتماعی با ویژگیهای اقتصادی جوامع مربوط سنجیده شود.

پانویس:

۱. آگبورن و نیم‌کف: زمینه‌نامه جامعه‌شناسی، ترجمه دکتر آریان‌پور، تهران، انتشارات فرانکن، ۱۳۴۵، ص ۲۳۲.
۲. مساواتی آذر (مجید): جرم‌شناسی، جلد اول، نقش خانواده و اقتصاد در بزه‌کاری جوانان ایران، تبریز، انتشارات چهر، ۱۳۵۶، ص ۲۹۷.
۳. سالنامه آماری کشور ۱۳۵۱، ۱۳۵۸، ۱۳۶۲، ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶.
۴. دکتر بهنام و دکتر راسخ: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۸، ص ۱۶۲.
۵. دفاتر کیفری دادسرای شهرستان تبریز سال ۱۳۵۵ و دفاتر کیفری ناحیه ۱ و ناحیه ۲ قضایی و دادسرای عمومی شهرستان تبریز، سال ۱۳۶۰.
۶. وزارت آبادانی و مسکن: نتایج آمارگیری مسکن تبریز، سال ۱۳۵۱.
۷. دکتر شیخاوندی: جامعه‌شناسی انحرافات، ص ۸۲.
۸. کلارک، جان ای: جغرافیای جمعیت کشورهای در حال توسعه، ترجمه هوشنگ بهرام‌بیگی، ص ۳۹.
۹. سرشماری سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۶۵.
۱۰. آگبورن، نیم‌کف: زمینه‌نامه جامعه‌شناسی، ترجمه دکتر آریان‌پور، ص ۲۳۹.
۱۱. سالنامه آماری کشور، ۱۳۵۵، ص ۳۱.